

مصرف ایده آل در اسلام

ثروت بی پایان

«قناعت» یعنی مصرف به اندازه نیاز، یعنی راضی بودن و بسنده کردن به امکانات موجود زندگی، یعنی به دنبال زرق و برق و اضافاتی که فکر و وقت آدمی را به خود مشغول می‌سازد نرفتن، و این شیوه و سبک درست زندگی است. امام صادق (ع) فرموده است: «چون خداوند بنده‌ای را دوست بدارد، شوق عبادت در دل او می‌افکند و قناعت را پیشه او می‌سازد و او را به فهم بصیرانه دین موفق می‌دارد و به دل او با یقین نیرو می‌بخشد. چنین انسانی به کفاف بسنده می‌کند و در جامعه عفاف می‌خرامد.» (الحیاه، ج ۴؛ ص ۳۷۷).

قناعت، کاستن از تلاش نیست!

رعایت چنین شیوه‌ای در مصرف، یعنی اندازه‌گیری مخارج نسبت به درآمد و مصرف کردن براساس ضرورت‌ها و نیازها، امکان پس‌انداز مازاد بر مصرف و نیز کمک به نیازمندان و حضور در مشارکت‌های اجتماعی اقتصادی عام‌المنفعه را فراهم می‌سازد. ممکن است فکر کنید: «قناعت، آن هم در دنیای مدرن و مصرف‌گرای امروزی، مگر می‌شود؟! انگار این واژه فقط در دوره مادر بزرگ‌ها و پدر بزرگ‌ها کاربرد داشته است!

به واقع، یکی از دلایل مقاومت بعضی‌ها در برابر قناعت و مخالف دانستن آن با چارچوب‌های زندگی مدرن این است که آن‌ها در دانش‌نامه ذهنشان، شناخت و درک درستی از این واژه ندارند. آن‌ها تصور می‌کنند قناعت یعنی به حداقل تلاش اکتفا کردن و فقیرانه زندگی کردن، در حالی که قناعت به معنی کاستن از تلاش نیست. قناعت به معنی کاستن از مصرف، یعنی مصرف به اندازه و هم‌داستان با نیازهاست. قناعت آن است که انسان به ضروریات

زندگی بپردازد و از حرص زدن‌های بی‌بهره و تنوع‌طلبی‌های افراطی بپرهیزد. به داشته‌ها رضایت بدهد، به دیگران چشم ندوزد و به امکانات زندگی خود که با تلاش و کوشش معقول به‌دست آورده است، اکتفا کند.

قناعت یا ثروت

داشتن این روحیه به مثابه دست یافتن به ثروتی بی‌پایان است؛ ثروتی حقیقی. چرا که انسان را واقعاً بی‌نیاز می‌کند. جز این است که انسان غنی آن است که دست نیازش به سوی دیگران دراز نباشد؟ و مگر شخص برخوردار از قناعت نیز این‌گونه نیست؟ امام علی (ع) چه زیبا فرموده است: «قناعت مالی است که پایان نمی‌پذیرد» (حکمت ۴۷۵، نهج‌البلاغه).

در جای دیگری نیز فرموده است: «من در جست‌وجوی توانگری بودم، ولسی آن را جز در قناعت نیافتم (زیرا حرص، غالباً توانگران را نیازمند نگه می‌دارد). قناعت پیشه کنید تا غنی شوید (بحار، ج ۶۴: ۳۹۹). تصور خیلی از ما این است که برای راحتی بیشتر فقط باید به امکانات بیشتر و رفاه در

قناعت مالی است
که پایان نمی‌پذیرد

زندگی فکر کرد. باید هرچه بیشتر برخوردار شد تا لذت زندگی را درک کرد. این باور و تصور غلط تنها حرص بیشتر را در آدمی برمی‌انگیزد. یعنی بر طبل مصرف بیشتر می‌کوبد. اما آیا حرص بیشتر موجب آسایش افزون‌تر می‌شود؟ پاسخ منفی است. چرا که آدم حریص هرچه داشته باشد و به هر چه برسد، باز احساس کمبود می‌کند. پس برخلاف تصور، هر چه انسان حریص‌تر شود، به همان اندازه از آرامش دورتر می‌شود. امام صادق (ع) می‌فرماید: «حریص از دو چیز محروم می‌شود و دو چیز گریبانش را می‌گیرد: از قناعت محروم می‌شود، پس به بی‌آسایشی مبتلا می‌شود، و از رضایت محروم می‌شود، پس به بی‌یقینی دچار می‌شود (وسائل، ج ۱۷: ۲۰).

شخص حریص و غیرقانع نه آسایش دارد،

آثار قناعت

عزت نفس و بی‌نیازی

شخص برخوردار از قناعت به‌روزی خداوند بسنده می‌کند. عزت خود را نگه می‌دارد و دست‌نیاز به سوی کسی دراز نمی‌کند. برعکس، طمع و حرص زیاد ذلت نفس را در پی دارد. کسی که از قناعت بی‌بهره است، تابع و اسیر هوس‌ها و خواسته‌های مادی خویش است. بی‌دلیل نیست که می‌بینیم امام علی (ع) فرموده است: «طمع‌ورزی بردگی ابدی است» (حکمت ۱۸۰، نهج‌البلاغه).

سلامت کسب و کار

انسان قانع چون به‌روزی خداوند راضی است و حرص زیاد نمی‌زند، پس برای برخوردار از مال و ثروت بیشتر به دستورات دینی پشت نمی‌کند. وی درآمدی پاک و پاکیزه به‌دست می‌آورد؛ درآمدی که به هیچ شائبه‌ای آلوده نیست. قناعت باعث می‌شود شخص در انتخاب کسب و کار و نیز نحوه انجام آن از مسیر درست منحرف نشود. معمولاً آدم حریص است که به بسیاری از آلودگی‌های اقتصادی نظیر اختلاس، رشوه‌خواری، زدوبندها و بی‌قانونی‌ها دچار می‌شود.

قناعت و اصلاح نفس

امام علی (ع) فرموده است: «قناعت بهترین وسیله اصلاح نفس است (غررالحکم، ج ۲: ۴۳۶). قناعت نداشتن و بیشتر خواستن باعث می‌شود شخص خود را تحقیر کند، تملق بگوید و خود را آسان بفروشد. به خواهش‌های بی‌مورد دلش گوش بدهد، حق را زیر پا بگذارد و زیر بار منت دیگران برود. در حالی که قناعت، تملق، چاپلوسی و حرام و حلال کردن ندارد. قناعت حرص و طمع را از سفره زندگی برمی‌چیند. اگر عاقلانه بیندیشیم و به گذرا بودن زندگی فکر کنیم، جز قناعت را در زندگی انتخاب نمی‌کنیم. آری قناعت ریشه در پالایش روح، عزت نفس، آگاهی، خردمندی، تعقل و دوران‌اندیشی دارد.



که هر لحظه احساس کمبود می‌کند و لحظه‌ای راحتی ندارد.

امام علی (ع) وضعیت چنین فردی را در یک جمله کوتاه توصیف کرده است: «حریص در حال استراحت و راحتی دیده نمی‌شود (غرر، حدیث، ۶۶۰۱).

آری، سرچشمه بسیاری از نارضایتی‌های مردم و شکایت‌های آن‌ها از وضع زندگی کمبودهای زندگی آن‌ها نیست. گاه می‌بینیم بعضی همه چیز دارند، اما باز گله و شکایت و آه و نفرینشان بلند است.

عامل اصلی غالباً سیر نبودن چشم و قانع نبودن است. برعکس، به قول امام علی (ع)، کسی که به اندازه کفایت از دنیا بهره‌مند می‌شود، به آسایش دست می‌یابد و آسوده‌خاطر زندگی می‌کند (نهج‌البلاغه، حکمت ۳۶۹).

نه به خداوند، آن‌چنان که باید، در عمل باور دارد. به قول سعدی (علیه‌الرحمه):

خدا را ندانست و طاعت نکرد
که بر بخت و روزی قناعت نکرد

قناعت توانگر کند مرد را

خبر کن حریص جهانگرد را

(بوستان، باب ۶، ابیات ۱ و ۲)

ایمن بی‌اعتقادی به خاطر از دست دادن ایمان و نداشتن رضایت از تقدیر الهی است. کسی که مدام در حال مقایسه زندگی خود با دیگران است، کسی که از صبح تا شب می‌دود تا زندگی‌اش را رنگی‌تر کند، مگر آسایش دارد؟ اگر قناعت داشت، آیا آسایش بیشتری نداشت و از زندگی لذت بیشتری نمی‌برد؟

حریص به‌دلیل قانع نبودن همیشه احساس می‌کند از دیگران عقب مانده و این است

منابع
۱. رشاد، علی اکبر (۱۳۸۳). دانش‌نامه امام علی (ع). پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. چاپ دوم.
۲. مکارم شیرازی، آیت‌الله ناصر (۱۳۹۰). پیام امام (شرح نهج‌البلاغه، ج ۱۲). انتشارات امام علی بن‌ابی‌طالب. چاپ اول.
۳. رضایت از زندگی. سازمان چاپ و نشر دارالحدیث. چاپ ششم، ۱۳۸۷.